



# The Impact of the Convention on the Rights of the Child and Other International Instruments on the Formation and Implementation of Juvenile Criminal Justice Systems

Hamidreza Shakeri<sup>1</sup>, Mahdi Esmaeili\*<sup>2</sup>, Yaser Yahyazadeh<sup>3</sup>

1. Department of Criminal Law and Criminology, Ayatollah Amoli Branch, Islamic Azad University, Amol, Iran.

2. Department of Law, CT.C, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Law, Ayatollah Amoli Branch, Islamic Azad University, Amol, Iran.

## ARTICLE INFORMATION

**Type of Article:**

**Original Research**

**Pages: 131-145**

**Corresponding Author's Info**

**ORCID:** 0009-0004-2294-8617

**TELL:** +989111250564

**Email:** hamidreza.shakeri@iau.ac.ir

**Article history:**

**Received:** 15 Aug 2025

**Revised:** 01 Sep 2025

**Accepted:** 19 Oct 2025

**Published online:** 22 Mar 2026

**Keywords:**

Rehabilitation and  
Differential Proceedings,  
Minimum Age of Criminal  
Responsibility, Juvenile  
Criminal Justice, Convention  
on the Rights of the Child,  
Juvenile Offenders.

## ABSTRACT

The evolution of criminal justice approaches toward juvenile offenders in recent decades, particularly under the influence of the Convention on the Rights of the Child and other international instruments, has underscored the necessity for countries to review and revise their criminal justice policies. This study conducts a comparative analysis of the extent and manner in which these instruments have shaped the structures and processes of Iran's juvenile justice system in dealing with juvenile delinquency. Employing a descriptive-analytical methodology and utilizing documentary sources, the research clarifies the theoretical foundations of criminal justice, the notions of juvenility and delinquency, and the importance of considering individual, social, and cultural factors in criminal policy-making. The study then examines the core principles of the Convention on the Rights of the Child-including prioritizing rehabilitation, differential proceedings, and the protection of the best interests of the child and adolescent-as well as the Beijing, Riyadh, and Havana Rules as supporting frameworks. The findings indicate that, although certain requirements of international instruments have been incorporated into Iran's legal system, fundamental challenges remain-such as the divergence in the minimum age of criminal responsibility, the lack of fully differentiated proceedings, and the predominance of punitive approaches-which hinder full compliance with global standards. Ultimately, the study offers recommendations for the structural and procedural alignment of Iran's juvenile justice system with international instruments, emphasizing the necessity of ongoing reform and the adoption of a justice-oriented approach.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2026 The Authors.

**How to Cite This Article:** Shakeri, H; Esmaeili, M; Yahyazadeh, Y (2026). "The Impact of the Convention on the Rights of the Child and Other International Instruments on the Formation and Implementation of Juvenile Criminal Justice Systems". *Journal of International Criminal Law*, 4(1): 131-145.



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران

# فصلنامه حقوق جزای بین‌الملل

www.iclj.ir



فصلنامه حقوق جزای بین‌الملل

دوره چهارم، شماره اول، بهار ۱۴۰۵

## بررسی تأثیر کنوانسیون حقوق کودک و سایر اسناد بین‌المللی در شکل‌گیری و اجرای نظام‌های عدالت کیفری در برخورد با نوجوانان بزهکار

حمیدرضا شاکری<sup>۱</sup>، مهدی اسماعیلی<sup>۲\*</sup>، یاسر یحیی‌زاده<sup>۳</sup>

۱. گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد آیت‌الله آملی، دانشگاه آزاد اسلامی، آمل، ایران.

۲. گروه حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. گروه حقوق، واحد آیت‌الله آملی، دانشگاه آزاد اسلامی، آمل، ایران.

### چکیده

تحول رویکردهای عدالت کیفری نسبت به نوجوانان بزهکار طی دهه‌های اخیر، به‌ویژه تحت تأثیر کنوانسیون حقوق کودک و سایر اسناد بین‌المللی، ضرورت بازنگری در سیاست‌های کیفری کشورها را برجسته کرده است. هدف این پژوهش، بررسی تطبیقی میزان و نحوه اثرگذاری این اسناد بر ساختارها و فرایندهای عدالت کیفری ایران در مواجهه با بزهکاری نوجوانان است. این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع اسنادی، به تبیین مبانی نظری عدالت کیفری، مفهوم نوجوانی و بزهکاری و اهمیت توجه به ویژگی‌های فردی، اجتماعی و فرهنگی در سیاست‌گذاری کیفری می‌پردازد. سپس، اصول کلیدی کنوانسیون حقوق کودک، از جمله تقدم بازپروری، دادرسی افتراقی و حمایت از منافع عالیه کودک و نوجوان و نیز قواعد پکن، ریاض و هاوانا به‌عنوان مکمل‌های اجرایی، مورد واکاوی قرار گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد هرچند برخی الزامات اسناد بین‌المللی در نظام حقوقی ایران پذیرفته شده، اما چالش‌هایی بنیادین همچون تعارض سن مسؤولیت کیفری، نبود دادرسی کاملاً افتراقی و غلبه رویکرد تنبیهی مانع تحقق کامل استانداردهای جهانی است. در پایان، پژوهش با ارائه توصیه‌هایی برای انطباق ساختاری و اجرایی نظام عدالت کیفری نوجوانان با اسناد بین‌المللی، بر ضرورت تحول مستمر و رویکرد عدالت‌محور تأکید می‌کند.

### اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۳۱-۱۴۵

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۸۶۱۷-۲۲۹۴-۰۰۴-۰۰۰۹

تلفن: ۹۸۹۱۱۱۲۵۰۵۶۴+

ایمیل: hamidreza.shakeri@iau.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۲۴

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۲۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۱/۰۱

واژگان کلیدی:

بازپروری و دادرسی افتراقی، سن مسؤولیت کیفری، عدالت کیفری نوجوانان، کنوانسیون حقوق کودک، نوجوان بزهکار.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به‌صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

## مقدمه

کیفری را می‌توان از دو بُعد آیینی و ماهوی بررسی کرد؛ عدالت آیینی یا رویه‌ای، بر رعایت اصول بنیادین دادرسی منصفانه مانند بی‌طرفی قاضی و فرصت دفاع برای متهم تأکید می‌کند و اصولاً با مفهوم «عدالت طبیعی» شناخته می‌شود. در مقابل، عدالت ماهوی به درستی و عدالت نتیجه و تصمیم نهایی توجه دارد (Sadurski, 1985: 54). تفاوت این دو آن است که عدالت آیینی ضامن سلامت فرآیند دادرسی و وضع محدودیت‌هایی برای جلوگیری از خودسری است، اما عدالت ماهوی به کیفیت و عادلانه بودن نتیجه می‌نگرد.

با این حال برخی صاحب‌نظران جداسازی مطلق این دو مفهوم را نادرست دانسته و بر پیوند آن‌ها تأکید می‌کنند (Bayles, 1990: 16). به باور رالز، صرف اجرای فرآیند منصفانه به تنهایی کافی نیست و باید میان عادلانه بودن نتیجه و منصفانه بودن آیین جمع نمود (Rawls, 1972: 184). در ادبیات حقوق بشری نیز عدالت آیینی نقش برجسته‌ای دارد و رابطه میان حقوق شهروندان و تعهدات حکومت را بیان می‌کند. رعایت آیین منصفانه احتمال تحقق عدالت ماهوی را افزایش می‌دهد اما تضمین قطعی نیست؛ زیرا گاهی ممکن است فرآیند منصفانه به نتایج ناعادلانه منجر شود و بالعکس (Sadurski, 1985: 55). پژوهشگران دیگری مانند بویوم و ماتر نیز بر این باورند که نتیجه عادلانه، زمانی ارزشمند است که از طریق یک فرآیند صحیح تحصیل شده باشد (Boyum & Mather, 1979: 78). با توجه به این دیدگاه‌ها، استفاده از روش‌های غیرانسانی یا غیرقانونی حتی با نیت تحقق عدالت، از نظر حقوق کیفری معاصر مردود است و اصول آیینی خود ریشه در مبانی عدالت ماهوی دارند (آقایی، ۱۳۹۷: ۷). در مجموع، هرچند عدالت آیینی شرط کافی تحقق عدالت ماهوی نیست، اما رعایت آن، یک سیاست حقوقی اجتناب‌ناپذیر و مؤثر برای افزایش ضمانت اجرای عدالت واقعی است. در نهایت، می‌توان گفت: عدالت آیینی نه شرط لازم و نه شرط کافی برای تحقق عدالت ماهوی است، ولی احتمال دستیابی به عدالت واقعی را بیش از هر راهکار جایگزین بالا می‌برد و از این رو، رعایت آن به‌عنوان سیاست حقوقی اجتناب‌ناپذیر است.

تحول در نظام‌های عدالت کیفری، به‌ویژه درباره نوجوانان بزهکار، طی دهه‌های اخیر به یکی از محوری‌ترین مباحث حقوق کیفری و سیاست جنایی جهانی بدل شده است. افزایش توجه به حقوق کودک و ضرورت حمایت همه‌جانبه از نوجوانان در فرآیند عدالت کیفری، سبب شکل‌گیری و توسعه مجموعه‌ای از اسناد بین‌المللی شده که کنوانسیون حقوق کودک و قواعد پکن، ریاض و هاوانا از شاخص‌ترین آن‌ها به شمار می‌آیند. این اسناد، ضمن تبیین و تحکیم اصول بازپروری، دادرسی افتراقی و ممنوعیت مجازات‌های شدید، دولت‌ها را مکلف به بازنگری در سیاست‌ها و ساختارهای کیفری از منظر کرامت انسانی، تناسب سنی و ضرورت اصلاح‌پذیری کودک و نوجوان می‌سازند.

با توجه به نقش تعیین‌کننده عوامل فردی، اجتماعی و ساختاری در وقوع بزهکاری نوجوانان و انعکاس این واقعیت در سیاست‌های افتراقی و حمایتی اسناد بین‌المللی، مقاله حاضر با رویکردی نقادانه تلاش دارد تأثیر کنوانسیون حقوق کودک و سایر اسناد مرتبط را بر مبانی، ساختار و اجرای نظام عدالت کیفری نوجوانان مورد واکاوی قرار دهد؛ به‌نحوی که ضمن ارزیابی الزامات و چالش‌های تطبیق در سطح ملی، نقاط قوت، کاستی‌ها و راهکارهای پیشنهادی با محوریت مقایسه تطبیقی نظام حقوقی ایران و استانداردهای بین‌المللی آشکار گردد.

## ۱- مبانی نظری

بررسی مبانی نظری عدالت کیفری نوجوانان، چارچوبی مفهومی برای درک ضرورت تحولات ساختاری و رویکردهای نوین در سیاست‌گذاری کیفری فراهم می‌کند؛ رویکردی که زمینه تحلیل تأثیر اسناد بین‌المللی و انطباق نظام ملی با استانداردهای جهانی را مهیا می‌سازد.

## ۱-۱- عدالت کیفری

عدالت کیفری مجموعه‌ای از اصول و قواعد است که تضمین‌کننده رسیدگی عادلانه به متهمان و رعایت حقوق قربانیان در یک نظام بی‌طرف و مسئول است. این نظام بر کشف حقیقت، مجازات عادلانه مجرمان و حمایت از بزه‌دیدگان تأکید دارد (سید فاطمی، ۱۳۸۰: ۲۵۵). عدالت

## ۱-۲- نوجوانی

دیگر معیارها قابل تفکیک‌اند. تعریف جرم نیز ساده نیست؛ برخی آن را هر رفتاری دانسته‌اند که نظم اجتماعی را برهم می‌زند، اما چنین تعریفی کلی است؛ زیرا باید ابتدائاً نظم و اجتماع را تعریف کرد و تعیین مرجع تشخیص آن ضروری است. جرم، پدیده‌ای جهانی است که در همه زمان‌ها و جوامع با مصادیق مختلف مشاهده شده است؛ عملی که در یک جامعه یا زمان خاص جرم محسوب می‌شود ممکن است در جامعه یا بازه زمانی دیگر جرم نباشد. از این رو، نمی‌توان بیماری اجتماعی و جرم را معادل گرفت؛ چراکه بیماری اغلب نشانه‌های محسوس دارد اما جرم ماهیتی حقوقی-اجتماعی است. در نهایت، جرم را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: جرم عملی است که برخلاف یکی از موارد قوانین کیفری یک کشور باشد و مجرم کسی است که در زمان معین، عمل او مغایر مقررات رسمی کشور شناخته شود (یاراحمدی و شادمان‌نیا، ۱۴۰۱: ۳۹۸).

## ۲- بزه‌کاری و اهمیت آن در نوجوانان

بزه‌کاری یکی از پدیده‌های مهم اجتماعی است که در بسیاری از جوامع جهان، به‌ویژه در میان نوجوانان و جوانان، به‌عنوان یک معضل جدی مطرح شده است. از نظر حقوقی و اجتماعی، بزه‌کاری را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: انجام هرگونه عملی که مغایر با مقررات، هنجارها، ارزش‌ها و قوانین جامعه باشد و به سبب ارتکاب آن برای فرد، مسؤولیت و پیگرد قانونی پدید آید. افرادی که دست به چنین رفتارهایی می‌زنند، در اصطلاح حقوقی و جرم‌شناسی، «بزه‌کار» یا «مجرم» نامیده می‌شوند (فرجاد، ۱۳۷۱: ۱۶۹). در طول دوران تاریخ، بزه‌کاری نوجوانان و جوانان همواره جزئی از مسائل اجتماعی اغلب جوامع به‌شمار می‌رفته، اما این پدیده تا پیش از قرن نوزدهم کمتر به‌عنوان یک بحران یا تهدید گسترده مطرح شده است. با این حال، از قرن نوزدهم به بعد و هم‌زمان با رشد شهرنشینی، تحولات صنعتی و تغییرات ساختار خانواده، آمار بزه‌کاری در این گروه سنی رشد قابل‌توجهی نشان داده است و به‌ویژه ارتکاب جرائم خشونت‌آمیز یا رفتارهای ناهنجار اجتماعی توسط نوجوانان و جوانان به یکی از چالش‌های مهم برای نظام‌های تربیتی، قضایی و اجتماعی تبدیل شده است.

نوجوانی دوره‌ای انتقالی میان کودکی و بزرگسالی است که طی آن فرد مراحل بلوغ جسمی و جنسی را پشت سر می‌گذارد و جامعه نیز انتظارات کودکانه را از او برمی‌دارد و خواهان نمایش رفتارهای مستقل اجتماعی از سوی وی می‌شود (شرقی، ۱۳۹۶: ۱۰۲). در این دوره، نوجوان از وابستگی‌های کودکی عبور کرده و به‌سوی استقلال و مسؤولیت‌پذیری بزرگسالی حرکت می‌کند (بلر و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۵). با این حال، مطابق قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تعریف دقیقی از نوجوان ارائه نشده و صرفاً در مواد ۸۸ و ۸۹ به سنین نوجوانی اشاره گردیده است. برخی پژوهشگران، نوجوانی را دوره‌ای از آشفتگی روانی قلمداد می‌کنند؛ چراکه فرد در این برهه نه جزو کودکان به‌شمار می‌آید و نه کاملاً بالغ گردیده است (امیری، ۱۴۰۱: ۳۴۰).

## ۱-۳- بزه‌کاری

بزه به معنای ارتکاب هر عملی است که مغایر با مقررات قانونی، هنجارها و ارزش‌های پذیرفته شده یک جامعه باشد. بزه پیوند میان عمل فرد و واکنش اجتماع را منعکس می‌کند. در خصوص نوجوانان، اعمالی بزهکارانه تلقی می‌شوند که قانون، آنان را با توجه به سن پایین‌تر از مسؤولیت کیفری بزرگسالان، بزه و فرد مرتکب را بزه‌کار می‌داند. البته تعریف سن و گستره بزه نوجوانان در قوانین کشورهای مختلف، متفاوت است؛ به‌طور مثال، در برخی کشورها اطفال و نوجوانان به دلیل عدم رسیدن به سن قانونی، همانند بزرگسالان مجازات نمی‌شوند، اما در برخی دیگر، تفکیکی میان جرائم نوجوانان و بزرگسالان وجود ندارد و ملاک تنها ارتکاب جرم است. برخی رفتارهای خاص نظیر فرار از مدرسه، ولگردی، سرپیچی از والدین یا مصرف دخانیات در ملاً عام که از نظر تربیتی و بهداشتی برای نوجوانان مضر است،

در قوانین برخی کشورها جزو بزه‌کاری نوجوانان حساب می‌شود اما در برخی دیگر مصداق جرم نیست. رفتارهای بزهکارانه نوجوانان معمولاً در بستر اجتماعی خاصی رخ می‌دهد و برای فهم دقیق‌تر بزه‌کاری باید عوامل اقتصادی، فرهنگی، خانوادگی، سیاسی و بهداشتی یک جامعه مطالعه شود. همچنین بزهکاران از لحاظ سن، جنس، وضعیت اقتصادی-اجتماعی و

### ۳- مسؤولیت کیفری نوجوانان و تأثیر اسناد بین‌المللی بر نظام عدالت کیفری

طی بیش از یک قرن گذشته، دولت‌ها با الهام از تحولات نوین در حوزه جرم‌شناسی و حقوق بشر، اقدام به تدوین سیاست‌های خاص برای مواجهه با بزهکاری کودکان و نوجوانان نموده‌اند. این سیاست‌ها عموماً بر پایه معیارهایی چون سن، رشد عقلانی، شرایط روانی و شخصیتی و ویژگی‌های خانوادگی کودکان و نوجوانان تنظیم یافته است. اعمال تمایز میان نوجوان بزهکار و بزرگسال مجرم در اغلب نظام‌های حقوقی جهان، عمدتاً بر اساس ملاک سن صورت می‌گیرد، به نحوی که سن، بنیادی‌ترین شاخص تعیین‌کننده در تفکیک مقررات و واکنش‌های کیفری نسبت به این گروه محسوب می‌شود (شامبیاتی، ۱۳۹۳: ۲۵).

در چهارچوب نظام عدالت کیفری، تعیین سن مسؤولیت کیفری برای اطفال و نوجوانان واجد اهمیت اساسی است؛ چراکه تمامی ارکان عدالت اعم از مراجع قضایی و پلیسی باید در فرآیند رسیدگی به رفتارهای مخاطره‌آمیز این گروه سنی، رویکردی متمایز و متناسب با سطح رشد و قابلیت‌های فردی آنان اتخاذ نمایند. این اصل مهم در نظام‌های حقوقی مختلف، بسته به زمینه‌های فرهنگی و تاریخی هر کشور تفاوت‌هایی دارد و در عمل نیز گاه با چالش‌های فراوان مواجه بوده است. به عنوان نمونه، پرسش اساسی این است که آیا نوجوان، با توجه به میزان درک و قدرت تشخیص فردی، می‌تواند مسؤول رفتار مجرمانه خود باشد یا خیر؟ این امر نشان‌دهنده ارتباطی عمیق میان مسؤولیت کیفری و سایر حقوق و تکالیف اجتماعی نوجوانان است (کشفی، ۱۳۸۸: ۴۷).

بر همین اساس، بسیاری از کشورها در قالب اصلاحات قانون‌گذاری، تعیین حداقل سن مسؤولیت کیفری، آغاز دوره پاسخگویی کیفری و ایجاد سازوکارهای حمایتی و بازپروری را وجهه همت خود قرار داده‌اند؛ سیاستی که نهادهای بین‌المللی، به‌ویژه کنوانسیون حقوق کودک و سایر اسناد مرتبط، بر آن تأکید ورزیده‌اند. این اسناد، دولت‌ها را ملزم به تدوین و اجرای سیاست‌های افتراقی در قبال کودکان و نوجوانان بزهکار، توجه به اصل مصلحت کودک و دوری از مجازات‌های شدید و

سازمان ملل متحد و سایر نهادهای بین‌المللی در گزارش‌های مختلف، بارها نسبت به رشد بزه‌کاری در میان نوجوانان هشدار داده‌اند و آمارهای ارائه‌شده بیانگر آن است که روند افزایشی بزهکاری نوجوانان فراتر از نرخ رشد جمعیت جهانی بوده است (کریمیان، ۱۳۸۷: ۵). اهمیت بزهکاری نوجوانان از آن روست که پیامدهای آن صرفاً متوجه فرد بزهکار یا خانواده نمی‌شود، بلکه آثار گسترده‌ای بر سطح کل جامعه دارد. از یک‌سو، این پدیده به هدر رفتن سرمایه‌های انسانی و استعدادها جوان منجر می‌شود؛ چراکه نوجوانان و جوانان بخش بزرگی از نیروی فعال و پویای هر کشور را تشکیل می‌دهند. از سوی دیگر، هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی بسیاری بابت مقابله، شناسایی، دستگیری، نگهداری و بازپروری نوجوانان بزهکار بر دولت‌ها و نهادهای اجتماعی تحمیل می‌شود. افزون بر این، آسیب‌های روانی و اجتماعی ناشی از بزهکاری نوجوانان، می‌تواند خانواده‌ها و آینده آن‌ها را نیز تهدید کند و حتی امنیت عمومی و آسایش اجتماعی را به مخاطره اندازد.

نکته مهم دیگر در بررسی بزهکاری نوجوانان، جنبه پیشگیرانه آن است. تجربه کشورهای مختلف نشان داده که واکنش‌های صرفاً سرکوب‌گرانه و قضایی، هرگز به‌تنهایی برای حل این مسأله کافی نبوده و نیست. بسیاری از نوجوانان بزهکار، بدون دریافت آموزش‌ها و حمایت‌های اجتماعی و روانی کافی، در بزرگسالی نیز مسیر بزهکاری را ادامه داده‌اند و موج جدیدی از چالش‌های اجتماعی را پدید آورده‌اند. بر این اساس، رویکردهای پیشگیرانه، آموزش‌محور و حمایتی مانند افزایش آگاهی خانواده‌ها، بهبود کیفیت نهادهای تربیتی و کاهش فقر می‌تواند نقش مؤثری در کنترل و کاهش بزهکاری ایفا کند. در نهایت، توجه به بزهکاری نوجوانان و ریشه‌یابی علل بروز آن، می‌تواند نقش مهمی در سلامت فردی و اجتماعی جامعه ایفا کند؛ چراکه همان‌طور که صاحب‌نظران تأکید کرده‌اند، پیشگیری از معضل بسیار آسان‌تر، کم‌هزینه‌تر و مؤثرتر از درمان و مقابله با عواقب آن است (کریمیان، ۱۳۸۷: ۵).

رفتارهای پرخطر و بزهکارانه، به‌ویژه در دوره نوجوانی، در میان پسران با فراوانی بالاتری نسبت به دختران آشکار می‌شود (Moazzami, 2004: 525; Abbott & Wallace, 2001: 289).

افزون بر این، سلامت جسمی و روانی، از مؤلفه‌های اساسی رشد شخصیتی کودک است، به‌نحوی که نقایص جسمی می‌تواند به‌نوعی زمینه‌ساز رفتارهای ناسازگار باشد. ماده ۲۳ کنوانسیون حقوق کودک نیز کشورهای عضو را به حمایت فعال از کودکان دارای نیازهای خاص ملزم می‌کند. از منظر روان‌شناسی اجتماعی، متغیرهایی همچون منبع کنترل، ساختار شخصیت و همچنین میزان نفوذپذیری کودک نسبت به محیط نقش بارزی در سوق یافتن او به سمت رفتارهای پرخطر دارند (Salahi, 2009: 29). در عصر جدید، با گسترش فناوری‌های ارتباطی و همه‌گیر شدن فضای سایبری، دامنه بزهکاری و الگوهای ارتکاب جرم دستخوش تحولات بنیادین شده است؛ به‌طوری‌که فضای مجازی با رفع محدودیت‌های جغرافیایی، برای گروه‌های آسیب‌پذیر از جمله نوجوانان، بستری بالقوه برای آسیب یا بزه شمرده می‌شود بنابراین، اتخاذ سیاست‌های حفاظتی برای ارتقای سطح سواد دیجیتال، امنیت اطلاعات و بهداشت روانی، در زمره الزامات نوین عدالت کیفری نسبت به این گروه است.

**۲-۴- محیط خانواده و مدرسه: بنیان‌های کنترل اجتماعی**  
خانواده نخستین و بنیادی‌ترین کانون جامعه‌پذیری و الگوی رفتاری کودک است. پژوهش‌های متعدد بر نقش سلامت روانی محیط خانواده، سطح تحصیلات والدین، روابط میان اعضا و پایداری ساختار خانواده در پیشگیری از بزهکاری کودکان و نوجوانان تأکید دارند (Mirabi & Zand, 2019: 350). بحران‌هایی مانند طلاق، اعتیاد، تبعیض، خشونت والدین و نبود نظارت کافی، ریسک روی‌آوری کودک به بزه را افزایش می‌دهد. فقر اقتصادی، محیط‌های پرجمعیت و محرومیت از مسکن مناسب نیز بستر بروز آسیب‌های اجتماعی و ناهنجاری‌های رفتاری را مهیا می‌سازد که یافته‌های مکتب شیکاگو و نظریه بی‌هنجاری گواهی بر این مدعاست (Alagheband, 1995: 148). مدرسه نیز به‌عنوان دومین نهاد مؤثر جامعه‌پذیرسازی، نقشی کلیدی در هدایت یا انحراف

غیرانسانی می‌کنند. در مقابل، تعیین این سن و نوع واکنش‌ها در میان نظام‌های حقوقی جهان، یکسان نبوده و تجربه نظام حقوقی ایران نمونه‌ای بارز از رویکردهای متفاوت است؛ به‌گونه‌ای که قانون‌گذار ایرانی از تعیین سن دقیق و یکسان برای شروع مسؤلیت کیفری خودداری کرده و عمدتاً سن بلوغ شرعی را به‌عنوان معیار لحاظ نموده است (نیازیور و جعفری، ۱۴۰۰: ۱۴۹).

در نهایت می‌توان گفت که اتخاذ سیاست‌های مبتنی بر سن و رشد عقلانی در زمینه واکنش کیفری نسبت به نوجوانان، نه تنها ضامن بهبود فرایند عدالت کیفری، بلکه کمکی مؤثر به بازاجتماعی‌سازی و حمایت از نوجوان در مسیر عبور از بحران‌های این دوره حساس محسوب می‌شود (شاملو، ۱۳۹۳: ۸۱).

#### ۴- عوامل مؤثر بر بزهکاری نوجوانان با تأکید بر سیاست‌های افتراقی نظام عدالت کیفری

یکی از اساسی‌ترین وظایف دولت‌ها و جوامع، تأمین زمینه‌های رشد همه‌جانبه و پیشگیری از تهدیدهای اجتماعی برای کودکان و نوجوانان است، چراکه آن‌ها به‌عنوان سرمایه‌های انسانی، آینده هر ملت را رقم می‌زنند. مطابق با اسناد بین‌المللی، از جمله کنوانسیون حقوق کودک (CRC, 1989)، کودکان مستحق حمایت‌های ویژه‌اند و States Parties موظف‌اند زمینه‌های رشد جسمی، ذهنی، روانی و اخلاقی آنان را فراهم نمایند (UNCRC, Preamble, art. 3, 6). با این حال، در عمل، کودکان و نوجوانان ممکن است به‌واسطه عوامل گوناگون در معرض ارتکاب یا قربانی شدن جرم قرار گیرند که شناسایی دقیق این عوامل و تلاش برای پیشگیری و کنترل اثربخش آن‌ها، ضرورتی دوجندان دارد (Abed Khorasani, 2010: 24).

##### ۱-۴- ویژگی‌های شخصیت کودک و نوجوان

در حوزه حقوق بین‌الملل، حق زیستن و رشد آزادانه شخصیت کودک، بنیاد سیاست‌های حمایتی تلقی می‌شود (CRC, 1959: 55). عوامل بسیاری از جمله جنسیت و سن در شکل‌گیری شخصیت و تجربه اجتماعی کودکان نقش دارد. جدول‌های آماری و گزارش‌های مطالعاتی نشان داده‌اند که

بازپروری و بازگرداندن کودک به جامعه، جایگزین مجازات‌های سنتی شده و کشورهای عضو را به ایجاد ساختارهای حمایتی، نهادهای قضایی ویژه اطفال و بهره‌گیری از تدابیر غیرکیفری ملزم ساخته است (UNCRC, art. 40).

در نظام‌های مدرن عدالت کیفری، حمایت حقوقی مضاعف از کودکان در معرض آسیب، نه تنها وظیفه‌ای اخلاقی بلکه ضرورتی حقوقی-بین‌المللی برای دولت‌ها است. غفلت از اجرای صحیح این الزامات می‌تواند کودک را با خطراتی غیرقابل جبران مواجه سازد و جامعه را از بهره‌مندی بهینه از پتانسیل نسل نوین محروم کند.

#### ۵- اسناد بین‌المللی مرتبط با حقوق کودک

روند نوین حقوق بین‌الملل ناظر بر کودک و نوجوان، با تأکید ویژه بر عدالت افتراقی و توجه به شرایط سنی و روانی، از نیمه دوم قرن بیستم شاهد تحولی عمیق شد؛ تحولاتی که پس از اعلامیه حقوق کودک ۱۹۵۹ و در نهایت با کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ وارد مرحله الزام‌آور شد و امروزه معیارهای اساسی سیاست جنایی کشورهای عضو را شکل می‌دهد (UNCRC, Arts. 37, 40: 1989). این اسناد، به نوعی «چارچوب استاندارد جهانی» برای حمایت حقوقی و قضایی از کودکان و نوجوانان، به‌ویژه در حوزه عدالت کیفری، تبدیل گردیده‌اند (جمشیدی، ۱۳۹۰: ۱۰۷).

#### ۱-۵- کنوانسیون حقوق کودک

کنوانسیون حقوق کودک والاترین سند بین‌الملل عام در حوزه حقوق اطفال و نوجوانان است که با تأکید بر منافع عالیه آنان و چهار رکن بنیادین «بقا»، «حمایت»، «رشد» و «مشارکت»، دولت‌های طرف قرارداد را موظف می‌سازد حقوق کودک را در تمامی مراحل زندگی محفوظ بدارند. بر اساس ماده ۱ این کنوانسیون، «کودک» فرد زیر ۱۸ سال است، مگر آن که قانون ملی سن بلوغ کمتری را تصریح کرده باشد. در حوزه عدالت کیفری نوجوانان، کنوانسیون دو ابتکار کلیدی را نهادینه کرده است (UNCRC, 1989: Arts. 3, 37, 40):

الف) تقدم بازپروری و تناسب اقدامات کیفری با شرایط کودک مطابق مواد ۳۷ و ۴۰ UNCRC، محرومیت از آزادی برای کودک باید «آخرین راه‌حل» و صرفاً برای «کوتاه‌ترین مدت

رفتار کودک دارد. شکست تحصیلی، محرومیت، تنبیه نابجا یا سردی روابط با معلم و همسالان، می‌تواند موجب سرخوردگی، پرخاشگری و در نهایت سوق یافتن کودک به سوی بزهکاری گردد (Zarei, 2005: 66). در عین حال، فقدان همکاری مستمر میان خانواده، مدرسه و نهادهای اجتماعی، امکان کنترل و مداخله مؤثر نسبت به عوامل آسیب‌زا را کاهش می‌دهد.

#### ۳-۴- ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی

فرایند جامعه‌پذیری و انتقال ارزش‌ها در گروه دوستی، محله و محیط زندگی، تأثیر قابل توجهی در بروز یا کنترل رفتارهای آسیب‌زا دارد. طبق نظریه انتقال فرهنگی الگوهای رفتاری بزهکارانه در تعامل با گروه‌های نابهنجار و خرده‌فرهنگ‌های خاص شکل می‌گیرد (Abouzari, 2017: 145). هم‌نشینی با دوستان یا گروه‌هایی که تخلف از هنجار را ارزش تلقی می‌کنند، ریسک ارتکاب جرم یا قربانی شدن را به‌طور چشمگیری افزایش می‌دهد. همچنین نظریه سکونتگاه شو و مک کی به نحوه توزیع جرائم در مناطق آسیب‌پذیر شهر و نقش فقر، تراکم جمعیت و فقدان نظارت رسمی اشاره دارد (Paoletti, 2020: 675).

نظریه خرده‌فرهنگ بزهکاری آلبرت کوهن نیز بیان می‌کند که نوجوانان ساکن مناطق محروم، به سبب احساس سرخوردگی از ارزش‌های غالب جامعه و عدم دسترسی به موفقیت‌های مشروع، به سمت رفتارهای اعتراضی و بزهکارانه گرایش می‌یابند. نظریه کنترل اجتماعی هیرشی نیز چهار پیوند اصلی یعنی دلبستگی، تعهد، باور و مشارکت را عناصر اساسی در پیشگیری از انحراف می‌داند.

#### ۴-۴- سیاست‌گذاری دولت و حمایت از اطفال بزهکار: تطبیق

##### با اسناد بین‌المللی

در گذشته، اصولاً تمایزی میان واکنش کیفری نسبت به کودکان و بزرگسالان وجود نداشت و مجازات‌ها، یکسان اعمال می‌شد؛ اما با رشد جنبش‌های حامی حقوق کودک و تدوین اسناد بین‌المللی، به‌ویژه کنوانسیون حقوق کودک، تأکید بر ضرورت سیاست‌های کیفری افتراقی و رویکرد حمایتی در قبال اطفال در معرض بزه یا مرتکب بزهکاری افزایش یافته است (Goldouzian, 2017: 131). تأکید این رویکردها بر درمان،

#### • تسریع در رسیدگی

بندهای ۲ و ۳ ماده ۴۰ UNCRC تأکید می‌کنند که از هرگونه تأخیر غیرضروری در رسیدگی به پرونده کودکان و نوجوانان باید اجتناب شود، زیرا تأخیر می‌تواند ارتباط روانی و اجتماعی کودک را با نتیجه دادرسی مخدوش کند (عباچی، ۱۳۸۸: ۵۶).

#### • دوری از قضا‌زدایی یا جلب بلافاصله

مطابق ماده ۱۱ قواعد پکن، در صورت امکان باید از تحقیقات و محاکمه رسمی نوجوانان پرهیز شود یا در صورت اجبار، حدّ تعامل رسمی به حداقل ممکن کاهش یابد.

#### • حضور والدین/سرپرست قانونی و مشاور حقوقی

حضور والدین یا سرپرست قانونی و وکیل یا مشاور حقوقی در مراحل تحقیق و دادرسی نه تنها از نظر حمایتی و روانی بلکه از حیث تضمین حقوقی نوجوان ضروری است؛ شواهد نشان می‌دهد نوجوانانی که از نظارت والدین برخوردارند بهتر از دیگران در برابر عوامل بزهکاری محافظت می‌شوند.

#### • ممنوعیت شکنجه و زندانی‌سازی غیرقانونی

بر اساس ماده ۳۷ UNCRC، هیچ کودکی نباید تحت شکنجه یا سایر رفتارهای بی‌رحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز قرار گیرد، و مجازات اعدام یا حبس ابد برای افراد زیر ۱۸ سال مطلقاً ممنوع است. بازداشت و زندانی‌سازی کودک نیز باید مطابق قانون، به‌عنوان آخرین راه‌حل و برای کوتاه‌ترین مدت ممکن اعمال شود. همچنین کودک زندانی حق برخورداری از رفتار انسانی، احترام به نیازهای سنی، تفکیک از بزرگسالان، حق تماس با خانواده، دسترسی سریع به مشاوره حقوقی و امکان اعتراض به بازداشت خود را دارد (کریمی، ۱۴۰۲: ۱۲).

ترکیب این اصول و رویه‌ها، چارچوبی قابل اتکا برای توسعه نظام‌های عدالت کیفری کودک‌محور فراهم می‌آورد که اولویتش ارتقاء سلامت روانی و اجتماعی نوجوانان بزهکار و پیشگیری از انگ‌زنی طولانی‌مدت باشد. رعایت دقیق این استانداردها نه تنها با تعهدات بین‌المللی همخوانی دارد، بلکه در صورت اجرا و نظارت مؤثر، روندی پایدار برای بازپروری و بازاجتماعی‌سازی نسل جوان فراهم می‌کند.

ممکن» باشد و دولت‌ها موظف‌اند در مواجهه با کودک مظنون، متهم یا محکوم‌به جرم، دادرسی ویژه‌ای فراهم کنند که اولویت را به بازتوانی فردی و اجتماعی بدهد (CRC General Comment No. 10, 2007, Para 11).

#### ب) اجرای دادرسی افتراقی، منصفانه و حمایت‌محور

ماده ۴۰ کنوانسیون برای نوجوانان بزهکار حق «محاکمه عادلانه»، بهره‌مندی از کمک حقوقی، رسیدگی متخصصانه و حفظ محرمانگی موقعیت قضایی را تضمین کرده و هرگونه تنبیه روانی یا جسمی را اکیداً ممنوع می‌داند (Cullen, 1993: 156). این اصول که شامل منع تبعیض و ضرورت تناسب اقدامات کیفری با سن و بلوغ فکری نوجوان است، امروز نه تنها در اسناد بین‌المللی بلکه در اصلاح سیاست‌های کیفری داخلی کشورها از جمله ایران مبنای عمل قرار گرفته‌اند. برای تحقق عملی این اصول، کنوانسیون و اسناد تکمیلی - به‌ویژه «قواعد حداقل استاندارد برای اجرای عدالت کیفری نوجوانان» (Beijing Rules, 1985) و «راهنمای ریاض» (Riyadh Guidelines, 1990) - سازوکارهای زیر را توصیه می‌کنند:

#### • حق شرکت در دادرسی

کودک حق دارد در تمامی مراحل دادرسی‌هایی که به او مربوط است، به طریقی منطقی و متناسب با سن و توانایی‌های مشارکت کند و عقاید خویش را آزادانه بیان نماید.

#### • تعقیب و تحقیقات مقدماتی تخصصی

با توجه به ظرافت و حساسیت اتهامات اطفال و نوجوانان، ضابطان قضایی تحقیق‌کننده باید آموزش‌دیده، ورزیده و مسلط باشند. ماده ۱۲ قواعد پکن بر ایجاد واحدهای مستقل و تخصصی پلیس برای رسیدگی به جرائم نوجوانان تأکید می‌کند.

#### • شیوه رسیدگی و اصول بنیادین دادرسی

مراجع انتظامی و قضایی مکلف‌اند همواره مصالح و منافع کودک را محور اقدامات خود قرار دهند، از هر برخوردی که شأن، منزلت یا اعتماد به نفس او را خدشه‌دار سازد پرهیز کنند و تضمینات اساسی دادرسی منصفانه - از جمله حق مطلع شدن از اتهامات، حق دفاع، ممنوعیت شکنجه و سایر اذیت و آزار، حق مواجهه با شهود و حق تجدیدنظر - را کاملاً مراعات نمایند.

است. نمونه بارز این تأثیرپذیری را می‌توان در مواردی نظیر تشکیل دادگاه‌های تخصصی اطفال و نوجوانان، الزام به حضور وکیل در فرایند دادرسی، منع اختلاط نوجوانان با بزرگسالان در بازداشتگاه‌ها و رشد رویکردهای حمایتی و اجتماعی نسبت به نوجوانان بزهکار مشاهده کرد (نیازپور و جعفری، ۱۴۰۰: ۶۲؛ شامبیاتی، ۱۳۹۳: ۱۹۶). مطابق بند ج ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، معیارهای عدالت افتراقی رسماً در نظام حقوقی ایران پذیرفته و اجرایی شده‌اند. علاوه بر اصلاح مقررات، اسناد بین‌المللی دولت‌ها را به توسعه بسترهای حمایتی فراگیر و مشارکت فعال خانواده و نهادهای مدنی، ملزم کرده و توصیه می‌کنند تا جهت کاهش مجازات‌های سالب آزادی، بستر اقدامات جایگزین و اصلاحی را فراهم آورند (CRC Committee, General Comment No. 10, 2007).  
تبدیل این اسناد از سطوح توصیه‌ای به اجرای عملی، نیازمند اراده تقنینی و تحول نهادی در رویه‌های قضایی است. با وجود گرایش مثبت نظام تقنینی ایران و بسیاری کشورهای دیگر برای پذیرش اصول کنوانسیون حقوق کودک و قواعد پکن، تعارضات جدی در برخی محورهای اساسی پابرجاست. همچنان سن مسؤولیت کیفری پایین‌تر از استانداردهای جهانی است، دادرسی کاملاً افتراقی و تخصصی در عمل به صورت منسجم و سراسری پیاده نشده و گرایش به مجازات‌های سنتی، علی‌رغم امکان اقدامات جایگزین، استمرار دارد (هاشمی اردستانی، ۱۳۸۷: ۱۴۱). این چالش‌ها بیانگر ضرورت مطالعات تطبیقی گسترده‌تر، نقد عمیق‌تر مقررات موجود و بازنگری راهبردی مستمر با هدف تحقق عدالت کودک‌محور هستند.

در این میان، اسناد بین‌المللی از جمله کنوانسیون و قواعد پکن با ارائه منظومه‌ای هماهنگ از مبانی فلسفی، ساختاری و اجرایی، مسیر تحول ساختاری نظام عدالت کیفری نوجوانان را تبیین کرده‌اند؛ محوریت بازپروری، رعایت تناسب سنی و شخصیتی، مداخلات حمایتی فرابخشی و پیشگیری از انگ‌زنی، راهکارهای کلیدی برای ارتقای نظام حقوقی ملی به شمار می‌روند (CRC Committee, General Comment No. 10, 2007).

## ۲-۵- قواعد پکن، ریاض و هاوانا؛ تکمیل‌کننده رویکرد اجرایی عدالت افتراقی

در ادامه رویکرد کنوانسیون، قواعد پکن نقطه عطفی برای دستیابی به عدالت افتراقی واقعی است. این قواعد به طور تخصصی «نظام ویژه رسیدگی به جرائم نوجوانان» را ترسیم کرده و سیاست‌گذاران را به تدوین مقررات جزایی کودک‌محور ترغیب می‌کنند (Bernard et al. 2015: 308). ویژگی‌های کلیدی قواعد پکن:

- تعیین حداقل سن مسؤولیت کیفری معقول: مطابق اصل ۴، کشورها باید سنی را معقول و با معیارهای رشد کودک به عنوان حداقل سن مسؤولیت کیفری مشخص کنند تا از پاسخ‌گویی جزایی زودهنگام و نامتناسب پرهیز شود.

- تأسیس دادگاه‌های ویژه نوجوانان و آیین دادرسی افتراقی: قواعد پکن بر لزوم دادگاه اختصاصی با قضات آموزش‌دیده در حوزه کودک، دادرسی مبتنی بر محرمانگی و پرهیز از تماس نوجوان بزهکار با سیستم بزرگسالان تأکید جدی دارد.

- تدابیر حمایتی - تربیتی بر مجازات: این سند، مجازات‌های جایگزین، اقدام‌های اصلاحی، منع حبس بدون مدت معین و اتخاذ تدابیر اجتماعی و آموزشی را توصیه می‌کند.

- پرهیز از برچسب‌زنی و تضمین بازپذیری اجتماعی: قواعد پکن تصریح می‌کند که فرآیند کیفری نباید منجر به برچسب‌خوردگی یا محرومیت دائمی نوجوانان از فرصت‌های زندگی شود.

- همگرایی با اصول ریاض و قواعد هاوانا (۱۹۹۰): اسناد مکمل پکن مانند راهنمایی‌های ریاض بر پیشگیری اجتماعی و تقویت سیستم‌های جایگزین مجازات و قواعد هاوانا بر شرایط نگهداری، حمایت روانی و جداسازی نوجوانان از بزرگسالان زندانی، تأکید می‌کنند.

## ۶- تأثیر اسناد بین‌المللی بر سیستم عدالت کیفری نوجوانان بزهکار

پذیرش اصول بنیادین کنوانسیون حقوق کودک و قواعد پکن در حقوق ملی بسیاری از کشورها، از جمله ایران، تحول چشمگیری را در سیاست‌های کیفری نوجوانان موجب شده

### ۱-۶- الزام دولت‌ها به پیشبرد عدالت کیفری نوجوانان با معیارهای بین‌المللی

در راستای ارتقای نظام عدالت کیفری نوجوانان، کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹) نقطه عطفی در حقوق بین‌الملل به شمار می‌رود. این سند بنیادین، دولت‌های عضو را ملزم می‌سازد که به‌منظور عملیاتی نمودن حقوق مذکور، معیارهای خود را با محتوای کنوانسیون، در بستر قوانین ملی و رویه‌های قضایی و اداری همسو سازند (UNCRC, 1989: Arts. 37, 39, 40). اجرای اثربخش این تعهدات، زیر نظر نهادی مستقل یعنی کمیته حقوق کودک صورت می‌پذیرد؛ نهادی که مسؤلیت دارد نحوه پیشبرد و میزان تطبیق سیاست‌ها و قوانین کشورها با اصول عدالت کیفری نوجوانان را به شکل ادواری ارزیابی کند. این کمیته، پیوسته بر رعایت اصول راهبردی کنوانسیون، به‌ویژه در زمینه دادرسی و تعیین حداقل سن مسؤلیت کیفری، تأکید دارد و به گزارش‌های کشورهای با نگاهی انتقادی می‌نگرد (Cantwell, 1998: 201).

### ۲-۶- چالش معیارها: تنوع سن مسؤلیت کیفری و رویکرد انتقادی کمیته

یکی از مهم‌ترین چالش‌ها در راستای اجرای همگون کنوانسیون، اختلاف گسترده سن مسؤلیت کیفری در قوانین ملی کشورهای عضو است. ماده ۱ کنوانسیون، تمامی افراد زیر ۱۸ سال را نوجوان می‌شناسد و ماده ۴۰ لزوم تعیین حداقل سن مسؤلیت را یادآور می‌شود. با این حال، تشتت رویه‌ها مشهود است؛ به‌طوری‌که در برخی کشورها سن مسؤلیت کیفری هفت سال و در برخی تا ۱۸ سال تعیین شده است. کمیته حقوق کودک پیوسته هشدار داده که تعیین سن پایین برای مسؤلیت کیفری، با روح کنوانسیون و مواد ۳۷ و ۴۰ در تعارض قرار می‌گیرد و خواهان اصلاح این روند توسط دولت‌هاست؛ چنان‌که درباره کشورهایمانند سریلانکا و بریتانیا بارها انتقاد صریح ابراز شده است (Van Bueren, 1993: 32). در تفسیر قواعد پکن نیز، کشورها ترغیب می‌شوند که قوانین خود را متناسب با معیارهای بین‌المللی اصلاح کرده و به ابعاد روانی و اجتماعی نوجوان در تعیین مسؤلیت کیفری توجه بیشتری نشان دهند.

### ۳-۶- نسبت مسؤلیت کیفری با دیگر حقوق اجتماعی و ناکارآمدی قوانین دوگانه

بر اساس برداشت‌های تحلیلی از کنوانسیون و قواعد پکن، به‌وضوح رابطه نزدیکی میان مسؤلیت کیفری نوجوان و سایر ابعاد حقوقی مانند اهلیت مدنی، تأهل یا حق رأی وجود دارد. کشورهایی که سن مسؤلیت کیفری را پایین اما سن اهلیت مدنی یا رأی دادن را بالا در نظر می‌گیرند، از اصول و راهبردهای کنوانسیون فاصله می‌گیرند و زمینه تضاد حقوقی ایجاد می‌کنند (Hodgkin & Newell, 1998: 14).

### ۴-۶- ضرورت اقدامات پیشگیرانه و توجه به ریشه‌های اجتماعی بزهکاری

کمیته حقوق کودک همواره بر لزوم اتخاذ تدابیر پیشگیرانه برای مدیریت بزهکاری نوجوانان، تمرکز داشته و بر اهمیت توجه به «اصول راهبردی ریاض» برای پیشگیری از بزهکاری تأکید کرده است. این اصول، معیارهای موضوعی و رویه‌ای را برای کاهش عوامل اجتماعی بزهکاری توصیه و تصریح می‌نماید.

### ۵-۶- نظام دادرسی افتراقی و منع انگ‌زنی و مجازات‌های سالب آزادی

طبق الزامات کنوانسیون و تفسیر قواعد پکن، دولت‌ها بایست زمینه دادرسی افتراقی و حمایت‌محور را فراهم آورده، روند دادرسی را غیرعلنی برگزار نمایند تا از آسیب‌های حاصل از برچسب‌زنی و انگ اجتماعی نسبت به نوجوانان بزهکار اجتناب گردد. از سوی دیگر، حبس به‌عنوان آخرین حربه مد نظر قرار گرفته و بر ضرورت پیش‌بینی مجازات‌های جایگزین تأکید شده است (Cantwell, 1998). کمیته حقوق کودک تصریح می‌کند که استفاده افراطی از بازداشت موقت نوجوانان، خصوصاً برای جرائم کم‌اهمیت، با روح کنوانسیون مغایرت دارد و باید حتی‌الامکان، جایگزین‌های اجتماعی، فرهنگی و آموزشی جایگزین حبس شوند.

### ۶-۶- ارزیابی بحران‌های اجرایی: اقلیت‌ها و آثار تبعی سیاست‌ها

یکی از مشکلات مطرح در اجرای عدالت کیفری بین‌المللی به‌ویژه در کشورهای کمتر توسعه‌یافته، سهم نامتعارف نوجوانان

## ۷- نقد تطبیقی قوانین نظام‌های عدالت کیفری ایران و کنوانسیون حقوق کودک

در ادامه، با تکیه بر مبانی و چارچوب‌های ارائه‌شده، به مقایسه و نقد تطبیقی شاخص‌ترین ابعاد نظام عدالت کیفری نوجوانان در ایران با استانداردهای برآمده از کنوانسیون حقوق کودک و اسناد بین‌المللی می‌پردازیم تا نقاط اشتراک، افتراق و چالش‌های پیش‌رو به‌صورت روشن‌تر تبیین گردد.

### ۱-۷- سن مسؤلیت کیفری

در مقایسه با استانداردهای بین‌المللی که بر لزوم تعیین یک سن معقول و متناسب برای مسؤلیت کیفری کودکان تأکید دارند، قانون مجازات اسلامی ایران همچنان سن بلوغ شرعی را ملاک گرفته است. این تصمیم منجر شده تا دختران از ۹ سال و پسران از ۱۵ سال قمری، به‌عنوان مسئول کیفری شناخته شوند؛ موضوعی که فاصله معناداری با رویکرد کنوانسیون حقوق کودک که معمولاً سن مسؤلیت کیفری را حداقل ۱۲ یا ۱۴ سال پیشنهاد می‌دهد، دارد. این اختلاف قابل‌توجه، پیوسته مورد نقد مراجع علمی و بین‌المللی قرار گرفته و یکی از دلایل اصلی نگرانی نسبت به رعایت منافع عالیه کودک در نظام حقوقی ایران به‌شمار می‌رود (Shabani et al. 2017: 374).

### ۲-۷- آیین دادرسی برای کودکان بزهکار

هرچند طی سال‌های اخیر تحولاتی مثل تشکیل دادگاه ویژه اطفال و نوجوانان و الزامات مربوط به حضور مددکار اجتماعی و وکیل در مراحل دادرسی رخ داده است، اما واقعیت اجرا نشان می‌دهد که بسیاری از استانداردهای پیش‌بینی‌شده در اسناد بین‌المللی همچنان در ایران تحقق کامل نیافته‌اند. کمبود نیروهای متخصص، عدم دسترسی کافی تمام کودکان به وکیل و مددکار و اجرای محدود نظام‌های عدالت ترمیمی از جمله چالش‌های جدی نظام قضایی ایران محسوب می‌شوند. در نتیجه، با وجود تصویب مقررات مترقی، نظام دادرسی ویژه اطفال هنوز با اهداف و استانداردهای جهانی فاصله دارد (Hajipour Kondroud, 2021:195).

اقلیت و آسیب‌پذیر در بازداشتگاه‌ها است. گزارش‌های مختلف (Human Rights Watch, 1999; Amnesty International, 1998: 84) نشان می‌دهد پلیس و نظام قضایی اغلب بدون رعایت کرامت و سلامت نوجوانان، اقدامات بازدارنده را پی می‌گیرند که منجر به وضعیتی ضد حقوق بشری برای نوجوانان می‌گردد.

### ۷-۶- زندان به‌عنوان آخرین حربه و ممنوعیت حبس نامعین یا ابد

کنوانسیون (ماده ۳۷) بر کوتاه بودن مدت زندان و ممنوعیت اعمال حبس ابد یا نامعین بر نوجوانان تأکید دارد. با این حال، همچنان در قوانین بعضی کشورها مجازات حبس ابد برای افراد زیر ۱۸ سال وجود دارد که کمیته آن را غیرقابل قبول دانسته است. همچنین، بر جداسازی نوجوانان از بزرگسالان در فرایند دادرسی و حبس، تأکید فراوان شده است (ICC, Art. 10.2.b). بسیاری از کشورها اما به‌واسطه مشکلات سیاسی، اقتصادی یا ناتوانی در اختصاص منابع مالی و انسانی کافی، توفیق لازم در تحقق نظام دادرسی افتراقی را ندارند (Van Bueren, 1995: 15).

### ۸-۶- چالش اجرایی و راهبردهای پیشنهادی نهادهای بین‌المللی

در این مسیر پر چالش، شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل، اصول راهبردی و توصیه‌های فنی را برای اصلاح ملی و به‌روزرسانی قوانین و نهادهای مرتبط با عدالت کیفری نوجوانان در اختیار کشورها قرار داده است. ضمن آنکه تأکید می‌شود استانداردهای کنوانسیون با یکپارچگی کامل اجرایی گردد (مهر، ۱۳۸۲: ۲۱۷).

در جمع‌بندی، مشکل اصلی اغلب کشورها نه فقدان قوانین یا تعدد مقررات، بلکه «شکاف اجرایی» است؛ راهکاری که نهادهای بین‌المللی بارها بر آن تأکید داشته‌اند همان‌گونه که حقوق بین‌الملل حمایت بیشتری برای نوجوانان بزهکار قائل شده و کشورها را به سمت تعهد صادقانه نسبت به معیارهای جهانی سوق داده؛ اما رفع این خلأ صرفاً با تحول در نظام اجرا و سیاست‌گذاری محقق خواهد شد.

### ۳-۷- اولویت بازپروری بر مجازات

کنوانسیون حقوق کودک و مکتوبات وابسته تأکید دارند که هدف اصلی از مواجهه با کودک بزهکار، بازپروری، حمایت اجتماعی و ادغام دوباره او در جامعه است و ورود کودک به فرآیند کیفری باید تا حد امکان محدود بماند. با این حال، علی‌رغم تصریح برخی قوانین ایران درباره امکان استفاده از مجازات‌های جایگزین، تعلیق یا تخفیف، فرهنگ حاکم بر رویه قضایی همچنان بر تنبیه و مجازات تأکید دارد و فرصت‌های بازپروری اجتماعی و روانی برای کودک به‌درستی فراهم نمی‌شود. این وضعیت نشان‌دهنده ضعف نهادینه‌شدن رویکرد کودک‌محور و ضرورت اصلاحات بنیادین در نظام قضایی ایران است (Mehrpour, 2012: 14).

### ۴-۷- عدالت جنسیتی و منع تبعیض

اسناد بین‌المللی بر برابری جنسیتی و ضرورت مقابله با هرگونه تبعیض در فرآیند عدالت کیفری کودک تأکید دارند. با این حال، تفاوت‌هایی که در قوانین ایران برای سن مسؤولیت کیفری دختران و پسران و همچنین برخی مقررات نابرابر دیگر به چشم می‌خورد، با اصل عدم تبعیض و برابری جنسیتی مخالف است. این مسأله از مهم‌ترین نقاط نقد وارد بر قوانین داخلی به شمار می‌آید و بارها مورد تأکید مراجع علمی و حقوق بشری قرار گرفته است (Shabani et al. 2017: 340).

### ۵-۷- چالش‌های دادرسی افتراقی و منع انگ‌زنی

نظام عدالت کیفری نوجوانان بر اصل افتراق و نگاه غیرمجرمانه نسبت به نوجوانان بزهکار تأکید دارد. این اصل بدین معناست که نوجوانان، به دلیل تفاوت‌های بنیادین جسمی، روانی و اجتماعی با بزرگسالان، نیازمند فرآیندی متمایز و متناسب با ویژگی‌ها و نیازهای خود هستند. یکی از مهم‌ترین جنبه‌های این دادرسی ویژه، رعایت اصل منع انگ‌زنی است؛ اصلی که به‌درستی در اسناد بین‌المللی مهمی چون قواعد حداقل استاندارد برای اجرای عدالت کیفری نوجوانان (قواعد پکن ۱۹۸۵)، قواعد ریاض و حتی کنوانسیون حقوق کودک بارها مورد تأکید قرار گرفته است (Riyadh Guidelines, para. 5).

با این حال، اجرای موفق این اصول در بسیاری از کشورها با موانع و چالش‌های جدی مواجه است. در ایران با وجود اصلاحات قانونی اخیر، هنوز جلسات دادرسی نوجوانان در بسیاری موارد غیرمحرمانه و علنی برگزار می‌شود یا سوابق کیفری آنان به نحوی ثبت می‌گردد که خود می‌تواند زمینه‌ساز انگ‌زنی و محدودیت‌های اجتماعی بلندمدت گردد؛ روندی که به‌وضوح با استانداردهای بین‌المللی مبنی بر دادرسی غیرعلنی و محرمانه (Beijing Rules, Rule 21.1) مغایرت دارد. افزون بر این، آموزش تخصصی برای قضات، پلیس‌ها و سایر فعالان عدالت نوجوانان به‌اندازه کافی فراگیر و اثربخش نیست؛ در نتیجه برخورد‌های قانونی اغلب رویکردی صرفاً قضایی و تنبیهی داشته و کمتر جنبه تربیتی و حمایتی را مدنظر دارد. همین امر باعث می‌شود حضور نوجوان در نظام عدالت نه تنها سازنده نباشد، بلکه موجب آسیب‌پذیری بیشتر، تقویت حس گناه و تثبیت هویت مجرمانه شود.

علاوه بر مشکلات داخلی، تجربه بسیاری کشورها نشان می‌دهد حتی با استقرار نظام دادرسی افتراقی، نوجوانان بزهکار همچنان با چالش‌هایی چون اخراج از مدرسه، دشواری در دسترسی به خدمات حمایتی و بازپروری و برچسب مجرمانه مادام‌العمر روبرو هستند (UNODC, 2013). در حقیقت، انگ‌زنی می‌تواند منجر به تداوم چرخه جرم، دورافتادگی از فرصت‌های آموزشی و شغلی و در نهایت شکست فرآیند بازاجتماعی‌سازی گردد (Feld, 2017: 71).

### ۶-۷- تحلیل نقش جبران، بازپروری و بازاجتماعی‌سازی به‌عنوان راهبرد جایگزین مجازات

در اسناد مهم بین‌المللی مانند کنوانسیون حقوق کودک (ماده ۴۰)، قواعد پکن و نیز ادبیات نوین حقوق کیفری تطبیقی، تأکید اصلی در مواجهه با بزهکاری نوجوانان بر توان‌بخشی، جبران و بازاجتماعی‌سازی است، نه صرفاً اعمال مجازات‌های سنتی مانند زندان و سایر تنبیهات سالب آزادی الگوی کشورهای پیشرو، نظیر نروژ و هلند، بر ارائه برنامه‌های حمایتی، آموزش مهارت‌های فردی و اجتماعی و تسهیل فرآیند بازگشت نوجوانان به جامعه استوار است (Hazel, 2008: 28). در این کشورها، رویکرد عدالت ترمیمی و سازوکاری منسجم برای

بدل شده‌اند که بسیاری از نظام‌های ملی را وادار به اصلاح ساختار و فرآیندها ساخته‌اند.

اما مطالعه وضعیت بزهکاری نوجوانان و مسؤولیت کیفری در ایران، حکایت از وجود چالش‌های راهبردی دارد؛ نخست، تعارض سن مسؤولیت کیفری در نظام حقوقی ایران با حداقل‌های مورد توصیه اسناد بین‌المللی، زمینه تبعیض و ناهماهنگی با سایر حقوق اجتماعی را فراهم کرده است. دوم، اگرچه بسترهایی چون دادگاه اطفال، دادرسی غیرعلنی و حضور وکیل تا حدی محقق شده، اما اجرای کامل اصول دادرسی اختصاصی، تسهیل دسترسی به حمایت‌های اجتماعی و روانی و جایگزینی مجازات با اقدامات اصلاحی و عدالت ترمیمی همچنان دچار ضعف است. ثالثاً، سیاست‌های افتراقی و حمایتی نسبت به عوامل اجتماعی، خانوادگی و اقتصادی مؤثر در بزهکاری نوجوانان به‌طور ساختاری نهادینه نشده و اغلب نگاه تنبیهی بر سیاست حمایتی غلبه دارد. افزون بر این، اسناد بین‌المللی بر ضرورت مشارکت خانواده، مدرسه، نهادهای مدنی و پیشگیری اجتماعی به‌عنوان راهبردهای کلیدی برای جلوگیری از بزهکاری و تکرار جرم تأکید دارند که این بخش در سیاست‌گذاری حکمرانی کیفری ایران نیازمند اصلاح جدی است. همچنین، نظام فعلی نسبت به چالش‌های عدالت جنسیتی، جلوگیری از انگ‌زنی و حمایت از اقلیت‌ها و گروه‌های آسیب‌پذیر کاملاً منطبق با الزامات بین‌المللی عمل نمی‌کند و فضای بازنگری و ارتقاء هنوز وجود دارد.

در پایان، می‌توان نتیجه گرفت که هرچند اسناد بین‌المللی حقوق کودک مسیر روشن تحولی، مبتنی بر بازپروری، تناسب سنی و حمایت یکپارچه را برای دولت‌ها ترسیم کرده‌اند، اما تحقق کامل آن‌ها مستلزم اراده سیاست‌گذاری، ایجاد ساختارهای تخصصی، آموزش قضایی و اجتماعی و بازنگری مستمر قوانین است. تحول در عدالت کیفری نوجوانان نیازمند رویکردی جامع، آینده‌نگر و تطبیقی است. تنها در سایه اجرای مؤثر این اسناد، می‌توان عدالت کیفری را به سمت حمایت واقعی از آینده‌سازان جامعه و پیشگیری از بازتولید بزهکاری رهنمون ساخت.

جبران خسارت به بزه‌دیده، آشتی طرفین و تشکیل حلقه‌های حمایتی فعال برای نوجوان بزهکار، جایگاه محوری دارد. این سیاست‌ها هم‌راستا با توصیه‌های کنوانسیون حقوق کودک (ماده ۴۰ بند ۴) قرار دارند که دولت‌ها را ملزم می‌کند تا تدابیری همچون مشاوره، نظارت، خدمات اجتماعی، آموزش حرفه‌ای و برنامه‌های بازپروری را مقدم بر مجازات بدانند.

با این حال، در ایران باوجود برخی اصلاحات قانونی و ایجاد کانون‌های اصلاح و تربیت، فرآیند بازپروری همچنان با موانعی جدی مواجه است. نوجوانان بزهکار غالباً پس از ورود به نظام عدالت، صرفاً به حبس یا اقدامات محدود اصلاحی محکوم می‌شوند و زمینه‌های واقعی توانمندسازی اجتماعی، خدمات مددکاری، خانواده‌درمانی و بازگشت سالم به اجتماع در عمل بسیار ضعیف و غیرفراگیر است. از سوی دیگر، سیاست‌های جبران و عدالت ترمیمی، همچون آشتی و جبران خسارت به قربانی، در مقام اجرا با خلاهای مهم مواجه‌اند. این در حالی است که بر مبنای تجارب موفق جهانی، بازپروری واقعی زمانی محقق می‌شود که نوجوان در فرآیند تصمیم‌گیری، پذیرش اجتماعات محلی و ترمیم آسیب‌ها نقش فعالی داشته باشد (Tonry, 2011: 64).

در کل، بدون حرکت روشمند و تطبیقی به‌سوی بازپروری و اجرای واقعی عدالت ترمیمی و اجتماعی، حتی بهترین قوانین نیز کارآمدی لازم را در کاهش آسیب‌های چرخه بزهکاری نوجوانان و پیشگیری از تکرار جرم نخواهند داشت.

### نتیجه‌گیری

مطالعه تطبیقی جایگاه کنوانسیون حقوق کودک و دیگر اسناد بین‌المللی در شکل‌دهی و اجرای نظام‌های عدالت کیفری نوجوانان، نشان داد که این اسناد نه تنها مبانی نظری و فلسفی تحول در عدالت کیفری را تبیین کرده‌اند، بلکه از طریق الزام دولت‌ها به ارتقای استانداردهای دادرسی، بازپروری و حمایت، نقشی کلیدی در تغییر سیاست‌های جنایی ایفا نموده‌اند. مفاهیمی چون اصالت بازپروری، افتراق کامل دادرسی کودکان، برابری جنسیتی، تناسب اقدام کیفری با شرایط فردی و ممنوعیت حبس‌های بلندمدت، اکنون به هنجارهایی جهانی

- نیازپور، امیرحسین و جعفری، سهیلا (۱۴۰۰). «سیاست کیفری جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با اطفال و نوجوانان بزهکار». *رهیافت پیشگیری از جرم*، شماره ۱۳: ۱۶۴-۱۴۳.

- هاشمی اردستانی، کامران (۱۳۸۷). «کشورهای مسلمان، حق شرطها و ماده ۲ پیمان حقوق کودک در مورد تبعیض». *فصلنامه حقوق بشر*، ۲(۲): ۸۱-۱۰۲.

- یاراحمدی، حسین و شادمان‌نیا، عارف (۱۴۰۱). «عوامل ارتکاب بزهکاری نوجوانان». *قانون یار*، سال ششم (۲۵): ۳۹۷-۴۲۸.

#### ب. منابع انگلیسی

- Abbott, P., & Wallace, K. (2001). *An introduction to sociology: Feminist perspectives* (M. Najm Araghi, Trans.). Tehran: Ney Publications.

- Abed Khorasani, M. R. (2010). *An introduction to children's rights: A comparative study in national and international systems*. Tehran: Mizan Publications.

- Abouzari, M. (2017). *An attitude on the criminal rights of children*. Tehran: Mokhatab Publications.

- Alagheband, A. (1995). *Sociology of education*. Tehran: Heydari Publications.

- Amnesty International. (1998). *betraying the young: Children in US justice system*, AMR 51/60/98.

- American Convention on Human Rights (ACHR). (1969). Entered into force 1979. Arts. 5(5), 19.

- American Convention on Human Rights (ACHR). (1969). Para. 148-152.

- Bayles, M. D. (1990). *Procedural Justice, Allocating to Individuals*. Dordrecht-Boston-London: Kluwer Academic Publisher, Law and Society Library.

**ملاحظات اخلاقی:** در تحقیق حاضر، اصل امانت‌داری، صداقت، بی‌طرفی و اصالت اثر رعایت شده است.

**تعارض منافع:** در این مقاله هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

**سهام نویسندگان:** نگارش مقاله توسط نویسندگان به صورت اشتراکی انجام گرفته است.

**تأمین اعتبار پژوهش:** هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نشده است.

#### منابع و مأخذ

##### الف. منابع فارسی

- آقابیگی، سجاد (۱۳۹۷). «خصوصی‌سازی عدالت کیفری». *کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران*.

- امیری، شیرزاد (۱۴۰۱). «بررسی واکنش دستگاه عدالت کیفری نسبت به اطفال و نوجوانان بزهکار». *نشریه فقه و حقوق معاصر*، ۸ (۲۰): ۳۷۹-۳۳۷.

- سید فاطمی، سید محمد قاری (۱۳۸۰). «تحلیل مفاهیم کلیدی حقوق بشر معاصر حق تعهد آزادی برابری و عدالت». *مجله تحقیقات حقوقی*، بهار و تابستان، شماره ۳۳ و ۳۴.

- کریمیان، حسین (۱۳۸۷). «نگاهی به بزه‌کاری نوجوانان و جوانان». *معرفت*، شماره ۱۲۶.

- کریمی، پروانه (۱۴۰۲). «سیاست جنایی ایران در قبال بزهکاری کودکان و نوجوانان». *دهمین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم انسانی، مدیریت و کارآفرینی ایران*، تهران.

- کشفی، سیدسعید و هاشمی، حمید (۱۳۸۸). «تبیین فرایند نظام کنترل بزهکاری کودکان و نوجوانان با تأکید بر نقش پلیس». *نشریه کارآگاه*، شماره ۹.

- مهرا، نسرين (۱۳۸۲). «عدالت کیفری اطفال از منظر حقوق بین‌الملل». *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، ۶(۳۸): ۲۰۹-۲۲۹.

- Moazzami, S. H. (2004). *Criminal Sciences (Essays in Honor of Professor Mohammad Ashuri)*. Tehran: Samt Publications.
- Paoletti, S. (2020). *Working toward recognition of the rights of migrant and refugee children*. In J. Todres & S. H. M. King (Eds.), *The Oxford Handbook of Children's Rights Law* (pp. 675-695).
- Rawls, J. (1972). *A Theory of Justice*. Oxford: Clarendon Press.
- Sadurski, W. (1985). *Giving Desert its due: Social Justice and Legal Theory*. Department of Jurisprudence, University of Sydney: Reidel publishing company.
- Salahi, J. (2009). *Delinquency of children and adolescents*. Tehran: Mizan Publications.
- Shabani, A., Khosravi, M., & Hosseini, S. J. (2017). *Criminal responsibility of children in international documents and comparative study with Iranian law*.
- Tonry, M. (Ed.). (2011). *Juvenile justice systems: International perspectives*.
- UNODC. (2013). *Handbook on Restorative Justice Programmes* (2nd Ed.).
- Van Bueren, G. (1993). *International Documents on Children*. Dordrecht: Nijhoff.
- Van Bueren, G. (1995). [If referencing a specific work, provide full citation].
- Zarei, A. H. (2005). *Delinquency and victimization of male adolescents in the field of drugs (Master's Thesis)*. Tehran: University of Tehran.
- Bernard, T. J., Snipes, J. B., Gerould, A. L., & Vold, G. B. (2015). *Vold's Theoretical Criminology* (7th Ed.). Oxford: Oxford University Press.
- Boyum, K. O., & Mather, L. M. (1979). *Plea Bargaining or Trial? The Process of Criminal-Case Disposition*. Lexington, Mass Publication.
- Cantwell, N. (1998). *Nothing more than justice*. Juvenile Justice Information Portfolio, 3.
- *Declaration on Rights of the Child*. (1959). p.55.
- Feld, B. C. (2017). *Juvenile defendants and stigma*. In J. Todres & S. H. M. King (Eds.), *The Oxford Handbook of Children and the Law*.
- Goldouzian, I. (2017). *Annotated of the Islamic Penal Code*. Tehran: Majd Publications.
- Hajipour Kondroud, A. (2021). *Comparative study of the limitations and exceptions of public proceedings in Iranian law and international instruments*. *Journal of Islamic Human Rights*, 10(3), 113-137.
- Hazel, N. (2008). *Cross-national comparison of youth justice*. Youth Justice Board for England & Wales.
- Hodgkin, R., & Newell, P. (1998). [Reference details incomplete, please specify page/article/book].
- *Human Rights Watch*. (1999). *nobody's Children: Jamaican Children in Police Detention and Government Institutions*. New York: Human Rights Watch.
- Mehrpour, H. (2012). *The minimum age of criminal responsibility of children in Iran and international law*. *MAK International Journal*.
- Mirabi, S. P., & Zand, A. (2019). *Strategies to prevent delinquency of children and teenagers in the cyberspace*. In *The Second National Conference on Cyber Defense* (p. 350). Maragheh.